

ماجرای عشق و عاشقی میدون

بدرسوراخ جهان



پوریا عالمی

• وزارت نیرو اعلام کرد: از مجموع ۱۶۹ سد بزرگ کشور، تنها ۲۰ سد پرآب و ۷۷ سد خالی است. حالا که وزارت نیرو این را اعلام کرده، ما می‌گوییم از این ۷۷ سد چطوری استفاده کنیم که خالی نماند.

راه اول- این سدها را با تخفیف ۹۹ درصد به مدیران

بدهند.

راه دوم- این ۷۷ سد را بدهیم به جریان انحرافی که دکل‌ها را جابه‌جا کردند. طفلكی‌ها اول دکل را زدیدند بعد دنبال سوراخ بودند. خوشبختانه ۷۷ سوراخ مناسب پنهان‌کردن دکل و نفت‌کش وجود دارد.

راه سوم- این ۷۷ سد را موزه عبرت کنیم و سیاستمداران دنیا را دعوت کنیم بیایند تماشا کنند

و عبرت بگیرند که کتره‌ای و انتخاباتی دستور ساخت چیزی را ندهند.

راه چهارم- اگر مسئولان ما هزینه‌ای را که صرف درست‌کردن ۷۷ سد بی‌استفاده کرده‌اند، شلغم کاشته بودند، الان ما پدر شلغم ایران بودیم و ۷۷ سوراخ بزرگ توی زمین روی دستانمانده بود.

راه پنجم- حالا که ما ۷۷ سوراخ بسیار بزرگ روی زمین به‌عنوان سد داریم، پدر سوراخ جهان محسوب می‌شویم. کاش گینس بیاید این ۷۷ سد خالی را ثبت کند که حداقل یک سودی کرده باشیم.

راه ششم- اگر ۸۰ میلیون جمعیت متوجه بشوند که برای این سدها و دیگر پروژه‌های کشکی چقدر هزینه می‌شود، آشکشان درمی‌آید. پس ۸۰ میلیون جمعیت را بنشانیم پای ۷۷ سد خالی و برایشان قضیه را توضیح دهیم. مطمئن باشید با اشک این ۸۰میلیون، ۷۷ سد پر خواهد شد و مازاد آب آن را می‌توان به خارج صادر کرد.

راه هفتم- ساختن سد به نظر کار ساده‌ای است. بیل و کلنگ را می‌دهی دست کارگر و می‌گویی بکن. سدها ممکن است برای کشور آب نداشته باشد، ولی برای خیلی‌ها نان داشته است.

راه هشتم- اگر این ۷۷ سد را بدهند دست ما، سریع تبدیلیش می‌کنیم به استادیوم و یک توپ پلاستیکی هم می‌اندازیم آن وسط، که حالا که جیب مردم خالی است و شکمشان گشنه، سدکم سرشان گرم شود و دنبال توپ بدونند یا دوتا بازی استقلال و پرسپولیس با تراکتورسازی توی این سدها برگزار می‌کنیم که مردم درگیر فردوسی‌پور شوند و قضیه را فراموش کنند.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۵ • ۱۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ • ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۸۰ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰ • اذان مغرب ۱۹:۳۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی
alioromani84@gmail.com



سیدعبدالحسین مختاباد
آهنگساز و خواننده

شعرم از ناله عشاق غم‌انگیزتر است داد از آن زخمه که دیگر ره بیداد گرفت سال اول نظری بودم که نخستین مضارب‌های استاد فرهنگ شریف را شنیدم؛ روی آوازی کم‌نظیر از استاد محمدرضا شجریان بر شعری ناب از استاد هوشنگ ابتهاج با مطلع:

فتنه چشم تو چندان ره بیداد گرفت که شکیب دل من دامن فریاد گرفت بعدها فهمیدم این آواز در دستگاه همایون خوانده شده است و امروز هم که به این آواز گوش می‌دهم، نمی‌توانم در میانه آن را قطع کنم و باید حتما تا پایان آن را گوش دهم؛ چراکه از حسی ناب و درونی سرچشمه گرفته است که در چنین نقطه‌هایی، زیبایی خاص خود را به مخاطب و شنونده انتقال می‌دهد. در آن سال‌ها، این صدای ساز استاد شریف بود که مرا به سمت خود کشید و بعدها صدای استاد شجریان. ترکیبی که یکی از نقطه‌های اوج حس و حال در موسیقی سنتی و باده‌نوازی ماست و می‌تواند سرمشقی باشد برای آثهایی که به دنبال کاری حسی، ذوقی و اشراقی در موسیقی ایرانی هستند. به گمانم

بر فراز شهر

به احترام سینما
که سالی سخت را پیش‌رودارد



گیسو فغفوری

خوش‌بین- باشیم که امسال روز ملی سینما به‌آرامی پشت سر گذاشته شد و این اتفاق خوبی برای بسیاری از ماست که سال‌ها روزهای خاصی را پشت سر گذاشته بودیم و این نگرانی برایمان وجود دارد که اگر سال دیگر باز هم دولت تغییر کند، آیا تنش‌ها و بحران‌ها باز می‌گردد؟ می‌دانیم که برخی اتفاقات باید به صورت پایه‌ای شکل می‌گرفت تا برای سال‌های بعد با تغییر مدیریت و دولت دچار چالش و تنش نمی‌شد. برخی از کمبودها پشت سر گذاشته شد و البته به صورت ریشه‌ای حل نشد. این سؤال مطرح است که آیا این میزان علاقه به سینما و فروش بالا سال دیگر هم ادامه خواهد داشت یا خیر؟ آیا خانه سینما توانسته است مشکلات ساختاری خود را پشت سر بگذارد و تکلیف این را که یک نهاد صنفی است یا یک انجمن فرهنگی، مشخص کرده است؟ نمی‌دانیم ساخت‌وسازی که در خانه شماره دو خانه سینما با هزینه کُراف انجام شد، چقدر ضروری است؟ نمی‌دانیم اگر هیات‌مدیره خانه سینما به‌عنوان ضعیف‌ترین هیات‌مدیره همه این سال‌ها شناخته شده است، در سال پیش‌رو و انتخابات آینده توان دارد در برابر برخی توقعات ایستادگی کند یا خیر؟ ماجرای دیدارهای مشایی با هیات‌مدیره خانه سینما و انتظاراتش در سال ۸۸ را فراموش نکرده‌ایم که اگر هیات‌مدیره‌ای قوی در آن زمان بر‌صندلی‌ها قرار نداشتند، چگونه مانند یک کشتی در دریای حوادث کج‌ومعوج می‌شد؛ اما به‌رحال شاید بتوان با عینک خوش‌بینی به اتفاقات سینما نگاه کرد. روز ملی سینما با آرامش و جشن پشت سر گذاشته شد، فیلم «فروشنده» با رکورد فروش چهارمیلیاردی در کمتر از دو هفته بسیاری از رکورد‌های فروش را در سینمای ایران جابه‌جا کرد، مردم مشتاقانه به سینما می‌روند و در روز ملی سینما با نیم‌بهاشدن بلیت و نمایش فیلم در فضاهای باز، بسیاری به تماشای آثار سینمایی نشستند. بیمه تکمیلی سینماگران پیگیری می‌شود، فیلم‌ها می‌فروشند و خانه سینما برقرار است. جشن ملی سینما برگزار می‌شود و وزیر و رئیس در کنار چهره‌ها می‌نشینند یا به سراغ پیش‌کسوتان و آسیب‌دیدگان سینما مانند شمسی فضل‌الهی و اصغر شاهرودی ... می‌روند، میدان مشق نیز می‌شود محل برگزاری جشن خانه سینما. هرچند لحظات تاریکی نیز وجود دارد، می‌بینیم که هنوز برنامه هفت هست و هزاران تهمتی که به سینما و فیلم‌ها می‌زند، برادر کوچک‌تری هم دارد مثل یالثارات که او نیز بر همین شیوه کارش را پیش می‌برد. برای یک مسئله نظیر حضورنیافتن فیلم‌های هنر و تجربه در جشن خانه سینما، «هزار نفر» نامه امضا می‌کنند و البته در کلیت ماجرا تغییری نمی‌کند و در نهایت این آثار به مسابقه راه پیدا نمی‌کنند. هیات‌مدیره خانه سینما در پایین‌ترین سطح تأثیرگذاری به‌فعالیتش ادامه می‌دهد و انگار فقط هست که باشد. داوران جشن خانه سینما در آخرین سالی که به شکل آکادمی فعالیت خود را ادامه می‌دهند، با تعامل گسترده و شاید هم بی‌مورد «حجت‌الله ایوبی» را داور می‌کند و هم «امیر حاج‌رضایی» و همین چند وقت پیش بود که چند تهیه‌کننده و پخش‌کننده به علت نمایش تیزرهای فیلم‌شان از شبکه‌های جم دچار محرومیت شده‌اند. آن همه نام‌های تأثیرگذاری نظیر میرکریمی و سرتیپی یا مثلا وزیر ارشاد، سازندگان فیلم «ستاخیز» را به کیسه‌دوختن متهم می‌کند؛ اما خوبی‌اش این است که همه چیز را به‌سرعت می‌توان فراموش کرد و انگار راه‌هایی وجود دارد که همه چیز را فراموش کرد.



آه از آن زخمه

یک آرشه مرحوم یاحقی، تجویدی و ملک و مضارب شهرناز، شریف و مجد با ساعت‌ها سرعتی نواختن‌ها برابری می‌کرد. ساز استاد شریف به یک تشخیصی رسیده بود و هویتی مستقل برای خود تعریف کرده بود که تا سال‌های سال، آدمی وقتی نام تار را می‌شنید به یاد او می‌افتاد. در سال‌های بعد که فرصتی دست داد؛ ایشان لطف کردند (به گمانم سال ۱۳۸۳) و به منزلمان دعوت کردند، به اتفاق دوست خویم مهیار فیروزریخت. بر حسب اتفاق استاد زنده‌یاد پرویز یاحقی نیز در آنجا میهمان بودند و روزی خاطره‌انگیز را برایم بر جای گذاشتند. استاد، سازی زیبا نواختند و از من خواستند که قطعه آوازی بخوانم و اطاعت امر کردم. می‌گویند هنر یک هنرمند به نوعی تجلی درونیات اوست؛ به گمانم، ساز فرهنگ شریف هم این‌گونه بود؛ سازی که به شنونده آرامش می‌داد و او را از قیل‌وقال‌های روزمره جدا می‌کرد و به سفری درونی می‌برد. اگر یکی از کارکردهای هنر ناب را فراخواندن آدمی به خویش و تأمل در درون و پرسش از خوشتن خویش بدانیم، به گمانم ساز شریف این ویژگی را داشت که آدمی را به سکوت و تأمل در خود دعوت می‌کرد.

یادش گرامی باد که صدای سازش همه‌گاه در سپهر موسیقی ایران ماندگار و برقرار خواهد بود.

کافه نظر

اجتماعی به‌همراه داشته است؛ اینکه بعد از هفت سال از حادثه کهریزک، عامل اصلی آن دست به این اعتراف بزرگ برند چگونه ارزیابی می‌شود و مردم چقدر می‌توانند این عذرخواهی را باور کنند و ببینند. این سؤالات و سؤالاتی دیگر را با دو فعال مسائل اجتماعی و سیاسی در میان گذاشته‌ایم:

داد همین مسئله پذیرش عذرخواهی است؛ تا زمانی که مشخص نشود این عذرخواهی چقدر راست و حقیقی بوده یا چقدر با اظهار پشیمانی قلبی اتفاق افتاده است نمی‌توان متوقع بود گروه‌های مختلف جامعه، آن را باور کنند. در چنین شرایطی جامعه با مفهوم کلمه استغفار درگیر می‌شود و از خود می‌پرسد آیا فرد عذرخواهنده از عمل خود پشیمان شده است؟ آیا پذیرفته است که چنین اقداماتی را مرتکب شده؟ آیا با این اقدام می‌خواهد حیات سیاسی خود را در آینده احیا کند یا واقعا توبه کرده و خواسته به رفتارش معترف باشد؟ اگر این اقرار به گناه از روی صداقت و همراه با اظهار پشیمانی باشد، بعید نیست که جامعه آن را بپذیرد چراکه به نظر می‌رسد تغییر جایگاه مرتضوی از قاضی دادگاه به متهم، حکایت از آن دارد که او به گناهان خویش آگاه شده است، در غیر این صورت اما بعید است که مردم این عذرخواهی را چیزی جز یک نمایش سیاسی بدانند.

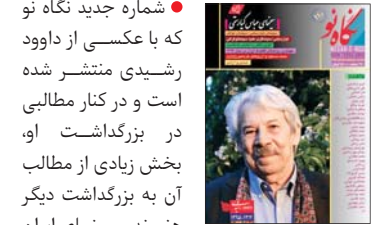
کند و سرانجامش را به طور روشن در اختیار افکار عمومی قرار دهد تا دیگر شاهد تکرار چنین فجایعی نباشیم و سرنوشت نسل‌های بعد با چنین اقداماتی به بازی گرفته نشود. مثبت‌بودن عذرخواهی قاضی مرتضوی را نباید به شخص ایشان منتهی دانست؛ نتایج مثبت این عذرخواهی می‌تواند به ایجاد فرهنگ در جامعه کمک کرده و باعث الگوسازی شود؛ الگویی که بر اساس آن هر کس که مرتکب تخلفی شده یا ظلمی را وارد می‌کند، بدون درنظرگرفتن جایگاهش، در ردیف متهم‌ها نشسته و پرونده‌اش به دقت بررسی شود.

اتفاقی که در کهریزک افتاد، یکی از مهم‌ترین رخداد‌های معاصر جامعه ما بوده که افشار مختلف را حساس کرده و حالا که یک مقام قضائی اقدام به عذرخواهی کرده است باید آن را یک اتفاق مثبت دانست.

پیشخوان

• شماره جدید نگاه نو که با عکسی از داوود رشیدی منتشر شده است و در کنار مطالبی در بزرگداشت او، بخش زیادی از مطالب آن به بزرگداشت دیگر هنرمند سینمای ایران که در تیرماه درگذشته، اختصاص دارد و درباره عباس کیارستمی سینماگر مؤلف چندین مقاله خواندنی دارد.

کیارستمی سینماگری علیه سینماتوگرافی از جمله این آثار است. همچنین مقاله الوین تافلر را بشناسیم، در کنار مقاله «محمد مسعود، آرزوهای خرده بورژوازی» و «شادی و آزادی» از مطالب خواندنی شماره ۱۱۰ نگاه نو است. مقالاتی از پرویز دوابی، کریم ارغنده‌پور، امید روحانی، علی‌اصغر سیدآبادی، محمدعلی موحّد، محمد دهقانی، حمید نقیسی و... در این شماره که مانند همیشه با مدیرمسئولی و سردبیری علی میرزایی منتشر می‌شود، به چشم می‌خورد.



• تازه‌ترین شماره ماهنامه «چشم‌انداز ایران»، ویژه‌نامه‌ای به مناسبت سی‌وهفتمین سالگرد درگذشت آیت‌الله سیدمحمود طالقانی است. این شماره که با عکسی از طالقانی و تیتیر «پدر طالقانی: آرمان‌نگاری سوسیالیست»، منتشر شده است، مخاطب را با این سؤال مواجه می‌کند که دستاورد سیاسی مرحوم طالقانی در سال‌های پس از انقلاب چه بوده و نسل جوان چطور می‌توانند او را از زوایای مختلف بررسی کنند. به همین مناسبت مجموعه‌ای از عکس‌ها و مدارک هویتی مربوط به ایشان برای اولین‌بار در این ویژه‌نامه کنار هم قرار گرفته‌اند تا چهره واقعی طالقانی آشکارتر شود. در این شماره از چشم‌انداز ایران، چهره‌های مختلفی، ابعاد شخصیتی مرحوم طالقانی را ارزیابی کرده‌اند. این شماره با قیمت ۱۲ هزار تومان و در ۱۹۲ صفحه تا پایان تابستان روی دکه‌های مطبوعاتی است.



محمد توسلی ◀ فعال سیاسی به‌عنوان فردی که در دادگاه ایشان حضور داشته‌ام و چوب ایشان به تن من نیز خورده، باید این عذرخواهی - هرچه که باشد- مثبت ارزیابی شود. فردی چون مرتضوی که حادثه کهریزک را به وجود آورده و آن فاجعه انسانی را به راه انداخته، حالا آمده و اظهار ندامت خود را بر مردم در میان گذاشته، این در حالی است که باید فارغ از اغراض احتمالی شخصی مرتضوی در طرح این عذرخواهی، ذات آن را اقدامی مثبت در فرایند اصلاح امور تلقی کرد، خصوصا اینکه در انتهای این عذرنامه، به همکاران سابق خود پیام انذار می‌دهد که مبادا عامل چنین رفتاری در آینده باشند. باین‌همه انتشار این عذرخواهی را نباید کافی دانست و طبعاً، جامعه منتظر است که دادگاه در ذیل طی مراحل قانونی، عادلانه به این پرونده رسیدگی



• فعال سیاسی به‌عنوان فردی که در دادگاه ایشان حضور داشته‌ام و چوب ایشان به تن من نیز خورده، باید این عذرخواهی - هرچه که باشد- مثبت ارزیابی شود. فردی چون مرتضوی که حادثه کهریزک را به وجود آورده و آن فاجعه انسانی را به راه انداخته، حالا آمده و اظهار ندامت خود را بر مردم در میان گذاشته، این در حالی است که باید فارغ از اغراض احتمالی شخصی مرتضوی در طرح این عذرخواهی، ذات آن را اقدامی مثبت در فرایند اصلاح امور تلقی کرد، خصوصا اینکه در انتهای این عذرنامه، به همکاران سابق خود پیام انذار می‌دهد که مبادا عامل چنین رفتاری در آینده باشند. باین‌همه انتشار این عذرخواهی را نباید کافی دانست و طبعاً، جامعه منتظر است که دادگاه در ذیل طی مراحل قانونی، عادلانه به این پرونده رسیدگی